

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [ایران وایر](#)]

[تاریخ: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰]

گلناز مهدوی

...

چرا هشتگ خاوران حافظه تاریخی داغ شد؟

این روزها کمتر کسی است که نام خاوران را نشنیده باشد؛ گورستانی که از قدیم محل دفن ارمنیان و بهاییان تهران بوده؛ ولی جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۶۰، از بخشی از آن برای دفن زندانیان سیاسی اعدام شده، استفاده کرده است. نام خاوران اما با یک چیز دیگر هم گره خورده است، گورهای دسته‌جمعی قربانیان کشتار تابستان ۱۳۶۷. جمهوری اسلامی از ۳۳ سال پیش که اجساد قربانیان کشتار ۱۳۶۷ را در دو گور دسته‌جمعی در خاوران و بدون حتی ریختن خاک کافی برای پوشاندن اجساد، در کیسه‌های نایلونی سیاه‌رنگ پیچیده و بی‌نام و نشان دفن کرد، همیشه سعی کرده است تا این بخش از تاریخ جنایت خود را مخفی نگه دارد.

در سال‌های گذشته، حکومت جمهوری اسلامی بارها و بارها سعی کرده است که این گورستان دسته‌جمعی را تخریب کند، اما حالا قضیه متفاوت است. روز پنج‌شنبه دوم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰، «سیمین فهندژ»، سخن‌گوی جامعه بین‌المللی بهایی در حساب توئیتر خود نوشت که بهاییان از دفن درگذشتگان خود در جایی که پیش از این گورستان بهاییان بوده، منع شده‌اند و نمایندگانی از سوی سازمان بهشت زهرا به آن‌ها گفته‌اند که یا باید اموات خود را لابه‌لای قبور موجود دفن کند یا آن‌ها را در جایی دفن کنند که گور دسته‌جمعی برخی از زندانیان سیاسی اعدام شده سال ۱۳۶۷ است.

فهندژ همچنین نوشته بود که «بهاییان ایران، رنج بی‌حرمتی به عزیزان از دست رفته را بارها لمس کرده‌اند و نمی‌خواهند دیگران این رنج را بچشند.»

سخن‌گوی جامعه جهانی بهایی، در توئیتر خود نوشته بود که مقامات حراست بهشت زهرا به بهاییان گفته‌اند که گورهای دسته‌جمعی که محل دفن زندانیان سیاسی اعدام شده در سال ۱۳۶۷ است، کاملاً تخریب و تخلیه شده است. همزمان با این اعتراض و اطلاع‌رسانی، عکس‌هایی از گورهای حفر شده در بخش زندانیان سیاسی در خاوران منتشر شد که نشان می‌داد، حکومت بالاخره موفق شده با تحت فشار گذاشتن خانواده‌های بهایی، دو تن از بهاییان متوفی را در محل گورهای دسته‌جمعی خاوران دفن کند.

دو روز بعد از این اتفاق، جمعی از فرزندان قربانیان قتل‌عام سال ۱۳۶۷ در بیانیه‌ای به این اقدام حکومت اعتراض کرده و آن را تلاشی برای پوشاندن بقایای جنایت جمهوری اسلامی دانسته بودند. از آن روز، برخی از خانواده‌های دادخواه کشتار ۱۳۶۷ در شبکه‌های اجتماعی مشغول اعتراض بوده‌اند. آن‌ها با همکاری چند سازمان حقوق‌بشری، از جمله کمپین نه به اعدام، شورای مدیریت گذار، اتحادیه فعالان حقوق بشر، همبستگی جمهوری‌خواهان ایران، سازمان هماهنگی اعتراضات بلوچستان (سهاب)، همدلی بانوکان و کمپین اتحاد برای زم، از ساعت ۷ شب یک‌شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰ طوفانی توئیتری به راه انداختند تا به این اقدام جمهوری اسلامی برای از بین بردن نشانه‌های باقی‌مانده از قربانیان کشتار ۱۳۶۷ اعتراض کرده و خواهان عدالت برای عزیزان خود شوند.

خواندن روایت خانواده‌های قربانیان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، دردناک است. اما آنجا که از دل این درد و رنج، همدلی جوانه زده است؛ بدون شک یکی از زیباترین نقاط تاریخ ایران است.

یک کاربر توئیتر، با نام «سحر حاتمی»، با هشتگ «پی‌اس ۷۵۲» و با اشاره به سرنگون کردن هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط سپاه پاسداران، نوشته است: «شما را دسته‌جمعی اعدام کردند، ما را دسته‌جمعی به آتش کشیدند.» کاربر دیگری با نام «شکیب نصرالله» نیز نوشته است: «خاوران نهنها سند جنایت رژیم، بلکه اولین نقطه ایران است که ایرانیانی با عقاید کاملاً متفاوت، در کنار هم قرار گرفتند تا نطفه دادخواهی مشترک، فارغ از عقیده و مرام بسته شود. خاوران تاریخ مرگ و گذشته نیست. نقطه شروع آینده است.»

گروهی دیگر از کاربران توئیتر نیز با باز نشر ویدیویی از «محمد نوری‌زاد»، فعال سیاسی که هم‌اینک در زندان به سر می‌برد، از او نقل کرده و خاوران را نماد «هولوکاست شیعی» خوانده‌اند.

در کنار همه این‌ها اما، یک صدای دیگر نیز در میان طوفان به‌پاکنندگان دیشب به گوش می‌رسد؛ صدای نه به اعدام! «شعله پاکروان»، مادر «ریحانه جباری»، زندانی اعدام‌شده در سال ۱۳۹۳ که به‌خاطر فعالیت‌های خود علیه حکم اعدام در ایران، مجبور به ترک کشور شده، در حساب توئیتر خود به شکلی موجز نوشته است: «خاوران یعنی نه به اعدام.»

خانواده قربانیان ۱۳۶۷ چه می‌گویند؟

تاریخ جمهوری اسلامی با اعدام، سرکوب و نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر عجین است. در طی ۴۲ سال و چند ماهی که از عمر این نظام سیاسی می‌گذرد، بارها اعتراضات مردمی به خشن‌ترین شکل ممکن سرکوب شده و معترضان و فعالان سیاسی و مدنی با شکنجه، احکام سنگین زندان و اعدام مواجه شده‌اند. اما آن‌گونه که «لادن بازرگان»، خواهر «بیژن بازرگان»، یکی از زندانیان سیاسی اعدام شده در تابستان ۱۳۶۷ می‌گوید: «خاوران یک نماد ملی از جنایات جمهوری اسلامی است و باید با چنگ و دندان حفظ شود؛ به این امید که دیگر چنین جنایاتی در تاریخ ایران تکرار نشود و نسل‌های بعد چنین تجربیاتی نداشته باشند.»

او با اشاره به سرکوب معترضان در حکومت جمهوری اسلامی، به «ایران‌وایر» می‌گوید: «رژیم با ساکت نگه داشتن جنایات‌های دهه ۶۰ و کشتار ۶۷ توانست جنایت کوی دانشگاه را انجام دهد؛ جنبش ۸۸ را به خاک و خون بکشد و در دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ و بعد هم هواپیمای اوکراینی جنایت خود را تکرار کنند. بنابراین، خاوران متعلق به همه ماست و یک جنایت علیه بشریت است و باید به‌همان شکل روز اول خود حفظ شود.»

این خواهر دادخواه با مقایسه خاوران با اردوگاه‌های کار اجباری یهودیان در زمان حکومت نازی‌ها در اروپا، می‌گوید: «خاوران یک نماد ملی است و باید حفظ شود، همان‌طور که اردوگاه آشویتس حفظ شد؛ همان‌طور که بقیه جنایات‌های نازی‌ها حفظ شد. بعضی ممکن است بگویند که خاوران در حافظه جمعی ما ثبت شده است و حتی اگر این‌ها در خاوران چیزی هم بسازند، اهمیتی ندارد. ولی حرف ما این است که متأسفانه تاریخ فراموشکار است. به یاد داشته باشیم که با این‌که بعد از جنگ جهانی دوم گروه‌های متفقین از قبرستان‌ها عکس گرفتند و جنایات‌های نازی‌ها را ثبت کردند و حتی خود نازی‌ها همه جنایاتشان را مستند کرده بودند، باز هم عده‌ای هولوکاست را منکر می‌شوند.»

«بهاره منشی»، فرزند «عباس منشی رودسری»، یکی از زندانیان سیاسی اعدام شده در تابستان ۱۳۶۷ نیز درباره اهمیت طوفان توئیتری «خاوران حافظه تاریخی»، به «ایران‌وایر» می‌گوید: «خاوران سند یکی از جنایات حکومت است و یکی از جاهایی است که هنوز باقی مانده است. خاوران یک نماد است از جنایات‌هایی که جمهوری اسلامی در طول ۴۲ سال گذشته انجام داده است. این گورستان تنها گور دسته‌جمعی در ایران نیست؛ در تهران سه گور دسته‌جمعی دیگر هم وجود دارد، در کردستان، اهواز، لرستان، تبریز و گیلان هم چندین گور دسته‌جمعی وجود دارد. خاوران فقط یک نماد است که خانواده‌ها از آن برای همبستگی استفاده می‌کنند و از همه شهرهای ایران در سالگرد اعدام‌ها و پنج‌شنبه‌های آخر سال، به‌رغم تمام مزاحمت‌ها در آن دور هم جمع می‌شوند. بنابراین جزئی از تاریخ جنایت جمهوری اسلامی است و باید مثل اردوگاه‌های نازی‌ها که به موزه تبدیل شده باقی بماند تا بیانگر ظلم و جور این حکومت باشد.»

او با اشاره به تخریب گورهای دسته‌جمعی در برخی شهرهای ایران توسط دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی، می‌گوید: «حکومت تا به حال چندین گور دسته‌جمعی را در اهواز و کردستان تخریب کرده است. خود خاوران را هم چندین بار به بهانه طرح آبادسازی گورستان‌های اقلیت‌های مذهبی، با بولدوزر زیر و رو کرده‌اند. حتی مدتی درب خاوران را بسته بودند و خانواده‌ها را راه نمی‌دادند. آزار خانواده‌ها هم که کار همیشگی‌شان بوده است؛ گل می‌کاریم، گل‌ها را می‌کنند. درخت‌های کاج کاشته بودیم، آن‌ها را هم از ریشه در آورده‌اند.»

این بازمانده یکی از قربانیان قتل عام سال ۱۳۶۷، با اشاره به دوران محکومیت شش ساله پدر خود که در زمان اعدام آن را سپری می‌کرد، می‌گوید: «مطالبه ما این است که بدانیم چه بلایی سر عزیزان ما آمده است و جسدشان کجاست؟ چرا اعدام شده‌اند؟ پدر من از خود دادگاه‌های جمهوری اسلامی، ۶ سال حکم زندان داشت و قرار بود اسفند ۷۱ از زندان آزاد شود. در نامه‌ای که در نوروز ۱۳۶۷ برای مادرم نوشته، گفته بود که با بهار می‌آید و تاجی از گل‌های بنفشه بر سر ما می‌گذارد. این نشان می‌دهد که پدرم امید داشته که از زندان بیرون بیاید؛ ولی خب شبانه و مخفیانه او را کشتند و حتی جای دفن شدن او را هم به ما نگفتند. ما می‌خواهیم بدانیم پیکر عزیزانمان کجاست و برای آن‌ها خواهان عدالت هستیم.»

او ادامه می‌دهد: «ما هیچ چیزی از عزیزانمان نداریم. همین‌که را می‌دانیم خاوران جایی است که عزیزان ما را دفن کرده‌اند، هم مدیون خانواده‌های زندانیان سیاسی اعدام شده در سال‌های قبل از ۱۳۶۷ هستیم که به خانواده‌های ما اطلاع داده بودند که دو کانال جدید در خاوران حفر شده. حکومت هیچ‌وقت به ما نگفته است که عزیزانمان را کجا دفن کرده است. فقط زمانی که ساک تحویل می‌دادند به خانواده‌ها گفته بودند که فرزندان را کشتیم، دیگر برای ملاقات نیابید.»

«لادن بازرگان»، خواهر «بیژن بازرگان»، از تنهایی‌شان در روزهای سیاه بعد از اعدام برادرش پرده برداشته و می‌گوید: «در سال ۱۳۶۷ ما تنها بودیم؛ رژیم ما را ایزوله کرده بود و اجازه نمی‌داد مراسم برگزار کنیم و به کسی بگوییم؛ همسایه‌هایمان نمی‌آمدند برای تسلیت گفتن. اجازه نمی‌دادند اعلامیه بچسبانیم روی دیوار و دسته‌گل بگیریم و محلی برای عزاداری بگذاریم. ما آن زمان خیلی تنها بودیم؛ ولی امروز واقعا من احساس کردم که جمعیتی پشت من است. دست همه دوستان را می‌فشارم و ممنونم که اهمیت می‌دهند و این جنایت علیه بشریت و این فاجعه ملی را فراموش نمی‌کنند.»

او در پایان می‌گوید: «ما می‌دانیم که بهاییان ایران هم زیر ضرب رژیم هستند و متأسفانه رژیم با وحشی‌گری با آن‌ها رفتار می‌کند. در ۳۲ سال گذشته جامعه بهاییان همیشه کنار ما بوده‌اند. در این قضیه هم به سازمان ملل اطلاع داده و اعتراض کرده‌اند. بنابراین، مشکل ما رژیم جنایتکاری است که می‌خواهد نشانه‌های جنایت خود را که جنایت علیه بشریت است، از بین ببرد و ما جلوی آن‌ها خواهیم ایستاد.»

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]